

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نماز

گنجینه‌ی ذکر و راز

مؤسسه فرهنگی قدر ولایت

نماز گنجینه ذکر و راز / گردآوری و تدوین مؤسسه  
فرهنگی قدر ولایت. - تهران: مؤسسه فرهنگی قدر  
ولایت، ۱۳۷۲.

۶۴ ص.: مصور (بخش رنگی)، عکس.  
۶۵۰ ریال.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص ۶۳-۶۴.

چاپ هفتم: ۱۳۸۵: ۵۰۰۰ ریال

۱. نماز

۲۹۷/۳۵۳

ن/۲/۱۸۶ BP

۱۸۵۱/۷۶-۷۲ م

کتابخانه ملی ایران

## نماز گنجینه‌ی ذکر و راز

گردآوری و تدوین: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت

ناشر: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت

نوبت چاپ: هفتم ۱۳۸۵، تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان، لیتوگرافی: نیما

چاپ: صاحب کوثر، صحافی: سبحان

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

تلفن و نمابر: ۶۶۴۱۱۱۵۱ و ۶۶۴۶۹۹۵۸

ISBN: 964-6248-51-9

شابک: ۹۶۴-۶۲۴۸-۵۱-۹

قیمت ۵۰۰ تومان

## فهرست مطالب

مقدمه	۵
جهان محراب وسیع	۷
نماز، یک کارخانه انسان سازی است	۱۲
حق نماز	۱۶
سرّ وضو	۲۰
سرّ مکان و لباس نمازگزار	۲۱
سرّ قبله	۲۲
اذان و اقامه	۲۳
نیت	۲۴
تکبیرة الاحرام، الله اکبر	۲۶
الله اکبر	۲۷
حضور قلب	۲۷
سوره ی حمد	۲۹
سوره ی توحید (اخلاص)	۳۰
رکوع	۳۱
سجده	۳۳
قنوت	۳۵
تسبیحات اربعه	۳۶
تشهد و سلام	۳۷
سرّ	۳۸
نماز جماعت	۴۰

۴۱	.....	اهمیت نماز جماعت و مسجد
۴۲	.....	نشاط عبادت
۴۳	.....	احادیث قدسی در مورد نماز
۴۳	.....	شرط قبولی نماز
۴۴	.....	نمازهای پنجگانه
۴۴	.....	برات نمازگزاران
۴۶	.....	نماز شب
۴۷	.....	مناجات در دل شب
۴۸	.....	راز و نیاز در دل شب
۴۸	.....	چه سختیها می‌کشد
۴۹	.....	شب‌زنده‌داران
۵۰	.....	عظمت مساجد
۵۰	.....	ادب در مسجد
۵۱	.....	چند حدیث از رسول اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small>
۵۳	.....	چند حدیث از ائمه معصومین <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۶۰	.....	سنت پیامبر <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small> ، در مورد نماز
۶۳	.....	در بیان فراغت وقت و قلب
۶۳	.....	در نماز
۷۴	.....	با میل و رغبت به سوی خدا بشتاب
۷۶	.....	در برابر چه کسی ایستاده‌ای؟
۸۲	.....	سخن آخر
۸۲	.....	جایگاه نماز در نظام جمهوری اسلامی
۸۴	.....	منابع

## مقدمه

﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾.

«ای رسول ما، آنچه را از کتاب آسمانی قرآن بر تو وحی شد برای مردم تلاوت کن و نماز را برپا دار که همانا نماز است که از هر کار زشت و منکر بازمی‌دارد و ذکر خدا بزرگتر (از اندیشه‌ی مردم) است و خدا به هر چه می‌کنید آگاه است».<sup>(۱)</sup>

آنان که در ژرفای نماز غور کرده و گوهرهای گرانبهای این گنجینه‌ی ذکر و راز را به فراخور عروج خود یافته و متناسب با حال عام بخشهایی از یافته‌ها را ارائه نموده‌اند همگی بر عظمت و بزرگی نماز تأکید و اسراری از این سرّ الهی را در اسرار الصلوة خود بیان فرموده‌اند.

در آیه‌ی شریفه‌ای که نقل گردید، نماز، ذکر بزرگ و بازدارنده‌ی از زشتیها معرفی گشته است. و اگر این بزرگی در عمل رعایت نشود آن بازدارندگی حاصل نگردد. اگر زشتی وجود دارد و نماز هم هست از آن جهت است که نماز با بزرگی

ه

و عظمت برپا نمی‌شود. نماز با تمام شرایط و توجّه ادا نمی‌گردد.

آنچه در این مجموعه‌ی گردآوری شده است در پی آن است که سرّ افعال ذکر بزرگ، نماز، راز زبان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و شاگردان آنان بازگو نماید. باشد که بزرگی و عظمت نماز از بزرگی و عظمت افعال گوناگون آن باز شناخته شود که اگر اجزاء مجموعه‌ی عظیم نماز شناخته و بدرستی ادا گردند آن معراجی که بایستی برای مؤمن از نماز حاصل شود به فضل الهی پیدا خواهد شد.

امید است این مجموعه که در سطح جوانان تهیه شده است به هدف ذکر شده دست یابد و لبیک به دعوت رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مدظله، برای شناساندن نماز و جایگاه والای آن در نظام جمهوری اسلامی باشد. انشاءالله تعالی.

## جهان محراب وسیع

جهان، محراب وسیعی است که همه‌ی کائنات، در آن به تسبیح و عبادت و سجود در برابر خدا مشغولند.

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ (۱)

«هفت آسمان و زمین و هرچه در آنهاست همه به ستایش خداوند مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه تسبیح و ستایش پروردگار می‌نماید ولیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. بدرستی که خداوند بسیار بردبار و آمرزنده است.»

جمله ذرات، در عالم نهان با تو می‌گویند روزان و شبان  
ما سمیعیم و بصیر و باهشیم با شما نامحرمان ما خامشیم  
خداوند برای هر موجودی مسیری قرار داده است که  
بیمودن آن مسیر موجب کمال آن موجود می‌باشد.

۷

پیمودن این مسیر اطاعت خدا و لبیک به دعوت اوست.  
به گل‌های رنگارنگ بنگرید، از یک خاک و یک آب و  
یک هوا چه گیاهان مختلف با برگ‌های متفاوت و خواص متعدد  
و رنگ‌های زیبا می‌رویند؟ گل‌های زیبا و عطر دل‌انگیزشان  
چشم‌های ما را به زیبایی خود و دل‌هایمان را به جمال خدا خیره  
می‌کنند.

با صد هزار دیده برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

به نماز ایستادن، همراهی با همه‌ی آفریده‌ها و فرشتگان در

پرستش و ذکر پروردگار است.



به نماز ایستادن، اطاعت و لیبیک به خدا و طی مسیر کمالی  
است که برای ما تعیین فرموده است.  
به نماز ایستادن، رنگ و بوی الهی گرفتن است و جلوه و  
آیینی جمال حق شدن.

نماز مراسم مخصوصی برای پرستش خدا و راز و نیاز با  
اوست که در آن جنبه‌های ارزنده و آموزنده‌ی خاصی در نظر  
گرفته شده و به همین جهت شکل مخصوصی به خود گرفته  
است.

۹

نماز سرود توحید و یکتاپرستی و سرود فضیلت و پاکی  
است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک‌زا و

آلوده کننده‌ای که در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم  
پاک و یکتاپرست نگهدارد.<sup>(۱)</sup>

باید همانطور که لباس و تن خود را می‌شوئیم و پاکیزه  
می‌کنیم، دل و جان را هم شستشو دهیم و پاکیزه کنیم. خود را به  
خدا، سرچشمه‌ی پاکی و کمال نزدیک سازیم.

لحظاتی را به یاد او، به نیایش او و راز و نیاز با او بگذرانیم و  
روح آلوده را در چشمه‌ی صاف و زلال الهی شستشو دهیم.  
این است نمازی که مسلمان روزانه پنج بار می‌خواند.<sup>(۲)</sup>

۱۰

---

۱- نماز چیست؟، شهید مظلوم آیت الله بهشتی.

۲- همان.

از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که در گفتگویی کوتاه با یاران خود چنین فرمود:

- فرض کنید در برابر خانه یکی از شما نهری روان باشد و هر روز در آن پنج بار شستشو کند. آیا به تن او هیچ آلودگی می ماند؟

یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نه، این شستشو به تن او هیچ آلودگی نمی گذارد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نمازهای پنجگانه هم همین اثر را دارد. با پنج نماز در روز، خدا لغزشها را از آدمی می زداید و او را پاکیزه می کند. (۱)

---

۱- نماز چیست؟، شهید مظلوم آیت الله بهشتی.

### نماز، یک کارخانه انسان‌سازی است

نماز خوب، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می‌کند. اینهایی که در این مراکز فساد کشانده شده‌اند اینها این بی‌نمازها هستند، نمازخوان‌ها در مساجد هستند و مهیا هستند برای خدمت.<sup>(۱)</sup>

شما انقلاب اسلامی کردید که اسلام را ترویج کنید، که اسلام و احکام اسلام را پیاده کنید. در اسلام از نماز هیچ

---

۱- صحیفه‌ی نور، جلد ۱۲، صفحه ۱۴۸، تاریخ ۵۹/۳/۱۴، حضرت امام خمینی علیه السلام.

فريضة‌اي بالاتر نيست. چطور نماز را اينقدر سستي مي‌کنيد در  
آن؟ از نماز همه اين مسائل پيدا مي‌شود...  
نگوييد که ما انقلاب کرديم حالا بايد هي فرياد بزنيم، خير  
نماز بخوانيد از همه فريادها بالاتر است.<sup>(۱)</sup>

سيدالشهداء در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن  
جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند، وقتی يکي از  
اصحاب گفت که ظهر شده است، فرمود که ياد من آورديد  
نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند و ايستاد در

۱۳

---

۱- صحيفه‌ي نور، جلد ۱۲، صفحه ۱۴۸، تاريخ ۵۹/۳/۱۴، حضرت امام  
خميني علیه السلام.

همان‌جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم،  
خیر، جنگ را برای نماز کردند.<sup>(۱)</sup>

مردم ما و جامعه ما و بخصوص جوانان ما که اکنون بار  
امانت سنگینی را بر دوش گرفته‌اند باید نماز را منبع قدرتی  
لایزال بدانند و در برابر جبهه‌ی فساد و بی‌عدالتی و کجروی که  
امروز بشریت را تهدید می‌کند از نماز و یاد خدا نیرو بگیرند.  
میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ماست ما را به تکیه‌گاه  
مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او بیش از همیشه و بیش از

---

۱- صحیفه‌ی نور، جلد ۱۲، صفحه ۱۴۸، تاریخ ۵۹/۳/۱۴، حضرت امام  
خمینی علیه السلام.

همه محتاج می‌سازد و نماز آن سرچشمه‌ی جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما می‌بخشد.<sup>(۱)</sup>

نماز با حضور و با توجه، نمازی که از یاد و ذکر سرشار است، نمازی که آدمی در آن با خدای خود سخن می‌گوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاترین معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف می‌رهاند و افق زندگی را در چشمش روشن می‌سازد و به او همت و اراده و هدف می‌بخشد و دل را از میل به کجروی

۱۵

---

۱- پیام به سمینار نماز ۷۰/۷/۱۶، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی.

و گناه و پستی نجات می دهد. از این روست که نماز در همه ی حالات حتی در میدانهای نبرد و سخت ترین آزمایشهای زندگی اولویت خود را از دست نمی دهد. انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر محتاج تر.<sup>(۱)</sup>

### حق نماز

حق نماز این است که بدانی ورود به درگاه خداوند است، و

۱۶

---

۱- پیام به سمینار نماز ۷۰/۷/۱۶، حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی.



در آن حال برابر خداوند ایستاده‌ای، چون این (نکته) را بدانی  
شایسته است همچون بنده‌ای ذلیل، خواهنده، بیمناک، ترسان،  
امیدوار، درمانده و زار بایستی، بنده‌ای که برای ادای احترام و  
تعظیم حق، با آرامش، سرافکنندگی، افتادگی، تواضع، در دل با  
او راز و نیاز دارد و آزادی جانش را که خطا بر آن احاطه کرده  
و گناه به هلاکتش کشیده از او می‌خواهد، و لا قوة الا بالله.<sup>(۱)</sup>  
اگر اجازه نبود که انسان وارد بشود بر عبادات، همه‌ی  
عبادات، انسان خجالت می‌کشید که بایستد در مقابل خدا و  
خدا را تحمید کند، تمجید کند، این ادعاست. تحمید و تمجید.

---

۱- تحف العقول، رساله‌ی حقوق از حضرت امام سجاد علیه السلام.

ادّعی این است که من شناختم و انسان عاجز است از اینکه بشناسد، لکن چاره نیست چون خود گفته است، خود او امر فرموده است و چون او امر فرموده است، همه باید اطاعت کنند ولو اینکه قاصر هستند از اینکه تحمید کنند خدا را، تنزیه کنند خدا را.<sup>(۱)</sup>

کلمات و اذکار نماز هر یک خلاصه‌ای است که به بخشی از معارف دین اشاره می‌کند و بطور مکرر و پی‌درپی آن را به یاد نمازگزار می‌آورد. نمازی که با تدبّر در معانی و بدون سهو و

---

۱- صحیفه‌ی نور، جلد ۱۸، صفحه ۳۱، تاریخ ۶۲/۴/۲۱، حضرت امام خمینی علیه السلام.

غفلت گذارده شود انسان را روزبه روز به معارف الهی آشناتر  
و به آن وابسته تر می سازد.  
نماز درس ادب، درس پوشش و عفاف، درس وحدت،  
درس مراعات حقوق دیگران، درس طهارت است.  
نماز گنجینه‌ی ذکر و راز است. نماز انباشته‌ای از رمزها و  
سرّهاست. (۱)

## سَرّ وِضُو

حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

وضو، یک ادب در برابر خداست تا بنده، هنگام نماز، وقتی در برابر خداوند می ایستد، پاک باشد و از آلودگی‌ها و پلیدی، پاکیزه باشد.

به علاوه در وضو، از بین رفتن کسالت و طرد خواب آلودگی و ایجاد نشاط است. و دل و روح را آماده‌ی ایستادن در برابر پروردگار می سازد.<sup>(۱)</sup>

۲۰

---

۱- پرتوی از اسرار نماز، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

وضو را متوجّه باش که تمامیت نماز است و نماز ندارد  
کسی که وضو ندارد.<sup>(۱)</sup>

### سرّ مکان و لباس نمازگزار

مسائل مربوط به شرایط مکان و لباس نمازگزار نشان  
می دهد که:

مقتضای ادب در برابر خدا و ایستادن در آستان جلال و  
عظمت او ایجاب می کند که نماز با بهترین و پاک ترین لباس  
باشد و نمازگزار از آراستگی ظاهر، هم چون آراستگی باطن،  
بهره مند باشد.

و مقتضای قبولی نماز در درگاه احدیت، مراعات حقوق  
دیگران است، رعایت حق حکومت اسلامی (خمس) و حق  
محرومان جامعه (زکاة) و سایر حقوق لازم است. نمازگزار پنج  
بار در روز باید به مکان و لباس خود توجه و آنها را از آنچه  
موجب بطلان نماز می شود ببری و پاک گرداند.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: ای کمیل بنگر در چه نماز  
می خوانی و برچه نماز می خوانی؟ و اگر از راه حلال نباشد  
قبول نیست.<sup>(۲)</sup>

## سرّ قبله

نماز، رو به کعبه‌ی مقدس برگزار می‌شود، اگرچه به هر رو که بایستیم رو به خداست، ولی توجّه به یک کانون مقدّس مانند کعبه، الهام‌بخش توحید و یاد آور خطّ توحیدی ابراهیم علیه السلام است. این سمت‌گیری بسوی کعبه، نظم و وحدت و زیبایی می‌آفریند. اگر کسی از فراز آسمانها به صفوف نمازگزاران کره زمین بنگرد، دایره‌های متعدّدی را می‌بیند که مرکزیت همه‌ی آنها کعبه است و توحید، نقطه‌ی تمرکز فکر و دل و جان و صفوف مسلمین است.<sup>(۱)</sup>

۲۲

---

۱- پرتوی از اسرار نماز، حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی.

## اذان و اقامه

اذان، شعاری است سکون‌شکن، موزون، کوتاه، پرمحتوا که دربردارنده‌ی اساسی‌ترین پایه‌های اعتقادی و جهت‌گیری عملی مسلمان است.

اذان، اعلام موجودیت اسلام، معرفّی عقاید و اعمال مسلمانان و فریاد علیه معبودهای خیالی است.

اذان، تنها صدایی است که به آسمانها می‌رسد.

اذان صدایی است که شیطان‌ها را به فرار و دلهره

وامی دارد.<sup>(۱)</sup>

---

۱- پرتوی از اسرار نماز، حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی.

## نیت

نیت عبارت است از قصد انجام کاری، اعتبار این نیت به این است که در آن تقرّب و نزدیک شدن به خدای تعالی و امتثال فرمان وی می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

نیت، رکن عبادت و اساس عمل است. نیت خدایی، عامل جذب الطاف الهی است. نیت، شرط قبولی عمل است. مقدّس‌ترین کارها بخاطر نیت بد، فاسد می‌شود و ساده‌ترین کارها با نیت خوب ارزشی بسیار پیدا می‌کند. نیت در نماز یعنی

---

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، حضرت امام خمینی علیه السلام.



آنکه نماز همیشه و همه جا برای خدا باشد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرکس، کار اندک خود را بخاطر خدا انجام دهد، خداوند آن را بیش از آنچه خواسته در چشم دیگران جلوه می دهد و هرکس از کار بسیار خود، هدف غیرخدایی داشته باشد و بجای جلب رضای او به فکر جلب توجه مردم باشد، خداوند کار زیاد او را در نظر مردم، کم جلوه می دهد.<sup>(۱)</sup>

نیت اگر خالص شد برای خدا، اخلاص حاصل می شود و اخلاص منشاء تمامی برکات و خیرات است. ارتباط خالصانه‌ی انسان با خدا، نورانیت خیر و صفای باطن و بصیرتی به همراه دارد که انسان را در پیچ و خم های زندگی و بن بست ها و مشکلات هدایت می کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

هرگاه خلوص در دل آید، نورانیت و بینش به همراه آن می آید.<sup>(۲)</sup>

خلوص تصدیق دل است آنچه را زبان گوید و یکی بودن ظاهر و باطن است در برابر خدا، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

کسی که ظاهر و باطنش یکسان و گفته و علمش هماهنگ باشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت را خالص انجام داده است.<sup>(۳)</sup>

---

۱- روضة المتقین، ج ۱۲، صفحه ۱۴۲.

۲- غررالحکم.

۳- نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۶.

### تکبیرة الاحرام. الله اکبر

پس از نیت خالص، با ذکر کلمه‌ی «الله اکبر» وارد نماز می‌شویم. احرام می‌بندیم برای نماز، و از این لحظه به بعد در محضر خدای بزرگ از هرچه موجب غفلت و بطلان می‌شود پرهیز می‌کنیم. برای یادآوری عظمت محضر خداوند، الله اکبر می‌گوییم، خدا از هرچه تصور شود بزرگتر است، خدا بی‌همتا است، خدا بی‌شریک است، خدا بی‌نیاز است، پس تمام مملکت جسم و روح، بدن و قلب باید متوجه او باشد چراکه بزرگی همه از اوست و اگر بزرگی هست به واسطه‌ی لطف و

رحمت او هست.

الله اکبر، شعار برتری و اعتلای مکتب و عقیده‌ی ماست.  
اگر خدا در نظر ما بزرگتر باشد و الله اکبر از عمق جانمان و از  
روی ایمان و باور برآید، دیگر دنیا و جاذبه‌هایش، قدرت‌ها و  
جلوه‌هایشان در نظرها کوچک و بی‌جلوه خواهد شد.  
انقلاب ما با الله اکبر شروع شد و پیش رفت و ادامه می‌یابد و  
حرکات ملت‌های مسلمان با همین رمز شروع شده است.

### الله اکبر

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

همین که در شروع نماز، تکبیر می‌گویی، باید تمام هستی  
نزد تو کوچک باشد جز «او». وگرنه خطاب می‌شود: تو  
دروغ‌گویی. آیا با من حيله و نیرنگ می‌کنی؟ سوگند به عزت  
و جلال خودم، شیرینی ذکر و یاد خود را از تو می‌گیرم و تو را  
از مقام قرب خویش و لذت مناجاتم محروم می‌کنم.<sup>(۱)</sup>  
و اگر از لذت مناجات و شیرینی ذکر خدا محروم می‌رازش  
این است نه چیز دیگر.

### حضور قلب

۲۷

سزاوار است که نمازگزار در تمام اقوال و افعال نماز حضور

---

۱- محجة البیضاء، جلد ۱، صفحه ۳۸۵.

قلب داشته باشد، که تنها آنچه را که به آن توجه کرده به حسابش گذاشته می‌شود. بنابراین باید تمام توجهمان به نماز و اذکار آن باشد و با توجه کامل به حضرت معبود جل جلاله و عظمت و جلالت و هیبت او به نماز ایستیم و قلب خود را از غیر او فارغ گردانیم، و خود را در برابر خدای عظیم و بزرگ بزرگان قرار داده او را مخاطب سازیم و با او به راز و نیاز پردازیم.<sup>(۱)</sup>

و سزاوار است که نمازگزار دارای خضوع و خشوع، سکینه و وقار بوده با لباس آراسته، خوشبو، مسواک زده، شانه کرده باشد و نمازش را همچون نماز وداع بخواند، و با خدا تجدید توبه و انابه و استغفار کند. و همچون عبد ذلیل در برابر خدا بایستد، و در گفتن «ایا ک نعبد و ایا ک نستعین» صادق باشد، (و تنها خدا را عبادت کند و تنها از او یاری جوید) نه اینکه بنده‌ی هوای نفس باشد و دست حاجت پیش این و آن دراز کند. و سزاوار است که بکوشد از اعمالی که مانع قبول نماز است مانند خودبرتربینی، حسد، غیبت، حبس زکوة و سایر حقوق واجب، خودداری نماید.<sup>(۲)</sup>

منشأ حضور قلب در اعمال آن است که قلب آن عمل را با عظمت تلقی کند و مهم بشمارد، اگر ما مناجات حق تعالی را به

---

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، حضرت امام خمینی علیه السلام.

۲- همان.

قدر مکالمه‌ی با یک مخلوق اهمیت دهیم، هرگز اینقدر غفلت و سهو و نسیان نمی‌کنیم.

مادامی که درخت آرزو و حب دنیا برپاست، مرغ قلب بر شاخه‌های آن در پرواز است. اگر به ریاضت و مجاهدت و تفکر در عواقب و معایب آن، این درخت را ترک کرد، قلب ساکن و مطمئن می‌شود و حضور قلب برایش پیدا می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

### سوره‌ی حمد

روایت شده که:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

ای جابر، آیا برترین سوره‌ای را که خدا در کتابش نازل

فرمود، بیاموزم؟

جابر عرض کرد: آری پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول

خدا، آن را به من بیاموز.

پس رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوره‌ی حمد «ام‌الکتاب» را به او تعلیم

داد و فرمود:

ای جابر آیا آگاهت نسازم از این سوره؟

عرض کرد: چرا، پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله از آن

مرا باخبر ساز.

فرمود: آن شفای هر دردی است جز مرگ.<sup>(۱)</sup>

### سوره‌ی توحید (اخلاص)

بدان که این سوره‌ی مبارکه، با کمال اختصار مشتمل بر جمیع شئون الهیه و مراتب تسبیح و تنزیه است و در حقیقت نسبت حق تعالی است به آنچه ممکن است در قالب الفاظ و نسج عبارات وارد شود. چنانچه «هو الله احد» تمام حقایق صفات کمال است و مشتمل بر جمیع «صفات ثبوتیه» است و از «حمد» تا آخر سوره و صفات «تنزیهیه» و اشاره به سلب نقایص است. حضرت امام صادق ع از پدران نقل فرمود که رسول خدا ص فرمودند:

کسی که قرائت کند قل هو الله احد را یک مرتبه ثلث قرآن را قرائت کرده و کسی که دو مرتبه قرائت کند دو ثلث قرآن را خوانده و کسی که سه مرتبه قرائت کند ختم نموده است قرآن را.<sup>(۲)</sup>

۱- تفسیر عیاشی، جلد ۱، صفحه ۲۰، حدیث ۹.

۲- آداب الصلوة، حضرت امام خمینی ره.

## رکوع

پس از پایان سوره، به نیت تعظیم خدا و فروتنی در برابر فرمان و عظمت پروردگار، تا حدی خم می شویم که دست‌ها به زانو‌ها برسد، کمر صاف باشد و گردن کشیده.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن قدر رکوع طولانی داشت که عرق از ساق پای او جاری می شد و زیر قدمهای مبارکش تر می گشت.

شخصی وارد منزل حضرت امام صادق علیه السلام شد، دید که امام در حال رکوع به تسبیح خدا مشغول است و تا ۶۰ مرتبه تسبیح را تکرار نمود. <sup>(۱)</sup>

---

۱- پرتوی از اسرار نماز، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی.

حضرت امام صادق علیه السلام:

هیچ بنده‌ای برای خدا به حقیقت رکوع نکند مگر آنکه خداوند متعال او را به نور جمال و در سایه‌ی کبریایش جای دهد و جامه‌ی برگزیدگانش بپوشاند. رکوع اول است و سجود دوم، هرکس حقیقت اول را به جای آرد شایستگی دومی را یافته است. در رکوع ادب (عبودیت) است و در سجود قرب (به معبود) و کسی که به نیکی ادب نگذارد قرب را نشاید. پس رکوع کسی را به جای آر که با دل خاضع برای خدا و تحت سلطه‌ی او ذلیل و بی‌مناک است و اعضای خود را از اندوه و ترس آنکه از بهره‌ی رکوع‌کنندگان بی‌نصیب گردیده فرود می‌آورد. و حکایت شده که ربیع بن خُثَیم با یک رکوع شب را به صبح می‌رساند و چون بامداد می‌شد قامت راست می‌کرد و می‌گفت «آه، مخلصان پیشی گرفتند و ما از راه ماندیم» و رکوعت را کامل کن به اینکه پشت خود را راست نگهداری...<sup>(۱)</sup>.



## سجده

حضرت امام صادق علیه السلام:

به خدا قسم، زیان نیند کسی که حقیقت سجده را به جای آورد ولو در عمر یک مرتبه. و روی رستگاری نیند کسی که در حال سجده که خلوت با حق و ترک غیر است شبیه خدعه کنندگان باشد که صورتاً در خلوت و انس است ولی حقیقتاً غافل از حق و آنچه خدای تعالی برای ساجدان مهیّا فرموده که انس با اوست در این عالم و راحت است در آن عالم.

و دور نیفتد از خداوند هرگز کسی که نیکو تقرّب جوید به حق تعالی در سجود، و نزدیک نشود به حق تعالی هرگز کسی که اسائه‌ی ادب کند در سجود و حرمت آن را ضایع نماید به اینکه قلب خود را به غیر حق متوجه کند در حال سجود. اکنون که شمه‌ای از سرّ سجود را دانستی، سجده کن سجده‌ی کسی که متواضع و ذلیل است در پیشگاه قدس حق تعالی، و نظر به حال نقص و بی‌نوایی خود کن، بدان که خلق شدی از خاکی که پایمال خلائق است و از نطفه‌ای که همه کس از او اجتناب و دوری کند، و تکوین شده در صورتی که شیء مذکوری نبود. و خدای تعالی معنی سجود را سبب تقرّب به خود قرار داده - تقرّب به قلب و سرّ و روح ...

و رسول خدا ﷺ فرمود که خدای تعالی فرمود که «من اطلاع بر قلب بنده‌ای که در آن حبّ اخلاص برای طاعت من و به دست آوردن رضای من است پیدا نکنم مگر آنکه خودم متولّی تمشیت امور او شوم و تدبیر کارهای او فرمایم و کسی که به غیر من متوجه و مشغول باشد از استهزاء کنندگان محسوب است و اسم او در دیوان زیانکاران مکتوب شود.»<sup>(۱)</sup>

## قنوت

ای عزیز، قنوت دست شستن از غیرحق و اقبال تام به عزّ ربوبیت پیدا کردن است و کف خالی و سؤال به جانب غنی مطلق دراز نمودن است. و در این حال انقطاع، از بطن و فرج (شکم و شهوت) سخن راندن و از دنیا یاد کردن کمال نقصان و تمام خسران است. جانانا، اکنون که از وطن خود دور افتادی و از مجاورت ابرار محجور شدی و گرفتار این ظلمتکده‌ی پررنج و محن گردیدی، خود چون کرم ابریشم بر خود متن.

۳۵

عزیزا، خدای رحمن فطرت تو را به نور معرفت و نار عشق تخمیر نموده و به انواری چون انبیاء و عشاقی چون اولیاء مؤید

فرموده، این نار را به خاک و خاکستر دنیای دنی منطقی نکن، و آن نهر را به کدورت و ظلمت توجه به دنیا که دار غربت است مکدر نما، باشد که اگر توجهی به وطن اصلی کنی و انقطاع به حق را از حق طلب کنی و حالت هجران و حرمان خود را با دلی دردناک به عرضش برسانی و احوال بیچارگی و بینوایی و گرفتاری خویش را اظهار کنی، مددی غیبی رسد و دستگیری باطنی شود و جبران نقایص گردد. (۱)

### تسبیحات اربعه

تسبیحات اربعه دارای چهار رکن است:

رکن اول «تسبیح» است، سبحان الله

رکن دوم «تحمید» است، والحمد لله

رکن سوم «تحلیل» است، و لا اله الا الله

رکن چهارم «تکبیر» است، والله اکبر

عبد سالک باید در این اذکار شریفه که روح معارف است حال تبیل و تضرع و انقطاع و تذلل را در قلب تحصیل کند، و به کثرت و مداومت، باطن قلب را صورت ذکر دهد و حقیقت ذکر را در باطن قلب متمکن سازد تا قلب متلبس به لباس ذکر شود و لباس خویش، که لباس بُعد است از تن بیرون آورد. (۲)

۱- آداب الصلوة، حضرت امام خمینی علیه السلام.

۲- آداب الصلوة، حضرت امام خمینی علیه السلام.

## تشهد و سلام

حضرت امام صادق علیه السلام:

تشهد ثناء حق جلّ و علا است، پس چنانچه در ظاهر بندگی می‌کنی و مدّعی عبودیت هستی، در سرّ نیز عبودیت کن تا به جوارح تو نیز سرایت کند و عمل و قول نقشه‌ی باطن گردد و حقیقت عبودیت به جمیع اجزاء وجود، ظاهری و باطنی، ساری شود و هر یک از اعضاء حظّی از توحید ببرند...

۳۷

معنای سلام در پایان نماز، امان است. یعنی هر کس امر خدا و سنّت پیامبرش را به خشوع قلب به جای آورد از بلای دنیا در

امان است و از عذاب آخرت برکنار. و سلام نامی از نامه‌های  
خدای تعالی است که در میان خلق خود به ودیعت نهاده تا در  
دادوستد، نگاهداری امانت، و روابط باهم و صدق همنشینی و  
صحت آمیزش و معاشرتشان بکار برند و اگر خواهی سلام را  
در جای خود نهی و معنایش را ادا کنی باید از خدا پروانمایی و  
دین و دل و عقل تو از تو در سلامت باشد و آنها را به تیرگی  
گناهان نیالایی. (۱)

### سور

شما ملاحظه بفرمایید که نماز که در رأس همه عبادات واقع  
است، وضع نماز چطور است. با تکبیر شروع می‌شود و بعد هم  
با سه دفعه تکبیر به آخر می‌رسد و محتوای نماز هم تکبیر است  
و تسبیح است و تحمید.

این برای این است که شاید به ما بفهماند، به همه بشر  
بفهماند که در همان اولی که می‌خواهید در بزرگترین عبادات  
خدا واقع بشوید، وارد بشوید، توجه کنید که خدای تبارک و  
تعالی اکبر از این است که شما عبادتش بکنید. در هر بندی از  
بندها یا تسبیح شده یا تکبیر. تسبیح برای این است که خدا  
منزه‌تر است از اینکه شما او را عبادت کنید. در عین حالی که  
تحمید می‌کنید و اجازه تحمید داده است معذک تسبیح

می‌کند او را و تکبیر می‌کند او را. وارد نماز می‌شوید تکبیر می‌گویید. وارد حمد می‌شوید حمد را مختص به خدا می‌دانید... می‌خواهید رکوع بروید تکبیر می‌کنید. از رکوع برمی‌خیزید تکبیر می‌گویید در کوع تنزیه می‌کنید. وقتی وارد به سجود می‌خواهید بشوید باز ۶ تکبیر می‌گویید. در سجود تنزیه می‌کنید. بعد از سجود تکبیر می‌گویید... همه‌اش برای این است که بفهماند که مسأله بالاتر از این مسائل است. منزله است از اینکه تو تکبیر کنی. تکبیر می‌گویید تنزیه می‌کنید او را از اینکه تکبیر بگوید برایش، تنزیه می‌کنید، تکبیر می‌کنید او را که تنزیه‌اش کنید. نماز وضعش اینطوری است.<sup>(۱)</sup>

## نماز جماعت

نماز را به جماعت خواندن مستحب است ولی پاداش آن قابل توصیف نیست.

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادی در خانه است.

پرسیدند: آیا یک روز نماز؟

فرمود: بلکه یک نماز. (۱)

۴۰

---

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۴۸۸.



حضرت امام خمینی علیه السلام:

ترک نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و سزاوار نیست که بدون عذر نماز جماعت را ترک کند. (۱)

در نماز جماعت همه‌ی انسانهای حاضر باهم هماهنگ، متحد و همدل می‌شوند.

در نماز جماعت مصالح عمومی و اجتماعی نهفته است.

### اهمیت نماز جماعت و مسجد

به نماز و مساجد اهمیت دهید که پیرونده‌های دادگستری مال بی‌نمازها است و نمازخوانهای (واقعی) در دادگستری پیرونده ندارند.

نماز پشتوانه‌ی ملت است. نماز یک کارخانه انسان‌سازی است. نماز خوب فحشاء و منکر را از یک ملت بیرون می‌کند. اینهایی که به مراکز فساد کشیده شدند بی‌نمازها هستند. ما با ذکر خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست.

شیطانها از مساجد و نماز می‌ترسند. آنها می‌خواهند از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن سنگرها، حمله کنند. (۲)

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، حضرت امام خمینی علیه السلام.

۲- صحیفه نور، جلد ۱۲، صفحه ۱۴۸، تاریخ ۵۹/۳/۱، حضرت امام خمینی علیه السلام.

## نشاط عبادت

از آداب قلبیه‌ی نماز، و سایر عبادات، که موجب نتایج نیکویی است، بلکه باعث فتح بعضی از ابواب و کشف بعضی از اسرار عبادت است، آن است که سالک جدید کند که عبادات را از روی نشاط و بهجت قلب - و فرح و انبساط خاطر بجا آورد و از کسالت و ادبار نفس در وقت عبادت احتراز شدید کند.

پس وقتی را که برای عبادات انتخاب می‌کند وقتی باشد که نفس را به عبادت اقبال و دارای نشاط و تازگی است و خستگی و فتور ندارد. زیرا که اگر نفس را در اوقات کسالت و خستگی و ادار به عبادت کند ممکن است آثار بدی به آن مترتب شود که از جمله‌ی آنها این است که انسان از عبادت منزجر شود.<sup>(۱)</sup>

## احادیث قدسی در مورد نماز

احادیث قدسی احادیثی هستند که رسول خدا ﷺ آنها را از قول خداوند تبارک و تعالی بیان فرموده‌اند، در واقع وحی هستند اما از جمله آیات قرآن نمی‌باشند.

## شرط قبولی نماز

خدای تعالی فرماید:

همانا نماز آن کس را قبول می‌کنم که برای عظمتم فروتنی کند، و به یاد من روز خود را شب کند، و دلش آکنده‌ی از ترس من باشد، و بخاطر من خود را از خواهشها و تمایلات نفس بازدارد، و خود را بر بندگانم بزرگ نشمارد.

و به جهت من سیر کند گرسنه را و پیوشاند برهنه را و رحم کند بلا رسیده را و غریب را جای دهد. و نور چنین شخصی مانند خورشید تابان در آسمان می‌درخشید. و در تاریکیها روشنایی و در نادانیها شناخت و علمی برایش قرار دهم و قسم به عزتم که او را حفظ می‌کنم و فرشتگانم از او محافظت نمایند. چون مرا بخواند در جواب او لبیک گویم چون از من سؤال نماید عطا می‌کنم، و مثل او در میان مردم مانند فردوس است در بهشت که هرگز نهرهای او خشک نمی‌گردد و میوه‌های آن نمی‌پوسد.

## نمازهای پنجگانه

رسول خدا ﷺ وارد مسجدی شد که گروهی از یاران آن حضرت آنجا بودند، پیامبر فرمود: آیا هیچ می دانید که پروردگارتان چه فرموده و چه دستور داده است؟ گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می داند، فرمود: همانا پروردگارتان می فرماید: هرکس محافظت نمازهای پنجگانه را بنماید و آنها را در اول وقت بجا آورد، در قیامت ملاقاتم کند در حالیکه برای او نزد من عهدهی است که داخل بهشتش کنم. و هرکس آنها را در وقت خود بجا نیاورد و محافظت بر آنها نداشته آن دیگر به خودم مربوط است اگر بخواهم عذابش می کنم و اگر بخواهم می آمرزم.

## برات نمازگزاران

خدای تبارک و تعالی را فرشته ایست بنام «سخائیل» که وقت هر نمازی برات برای نمازگزاران از خداوند جهان دریافت می کند. صبح که مؤمنان برخیزند و وضو سازند و نماز فجر گذارند، براتی از خدای عزوجل برای آنها بگیرد که در آن نوشته است:

«منم خدای باقی، بنده ها و کنیزانم شما را در پناه خود دارم. به عزت خود سوگند که شما را وانگذارم و گناهان شما تا ظهر

آمرزیده است.»

و چون ظهر برخیزند وضو و نماز بجا آورند براتِ دومی از خدا برای آنها بگیرد که نوشته:

«ای بنده‌هایم و کنیزانم منم خدای توانا، سیئات شما را بدل به حسنات کردم و سیئات شما را آمرزیدم و شما را به رضای خود در دارالجلال وارد کردم.»

وقت عصر که به وضو و نماز برخیزند براتِ سومی از خداوند برای آنها بگیرد که نوشته:

«ای بندگانم و ای کنیزانم منم خدای جلیل که یادم محترم است و سلطنتم بزرگست.

بدنهای شما را بر آتش حرام کردم و شما را به مساکن ابرار در آوردم و به رحمت خود شرّ بدان را از شما دفع کردم.»

و چون وقت نماز مغرب بیاید و برخیزند وضو بگیرند و نماز بخوانند براتِ چهارمی از خدای عزوجل برای آنها بگیرد که در آن نوشته:

«ای بنده‌ها و کنیزانم! منم خدای جبار کبیر متعال که فرشتگانم خوشنود از طرف شما بالا آمدند و بر من حق است که شما را خوشنود کنم. و روز قیامت آرزوی شما را برآورم.»

و چون وقت نماز عشاء رسد و برخیزند که وضو بسازند و نماز بجا آرند براتِ پنجمی از خدای عزوجل برای آنها بگیرد که در آن نوشته:

«منم خدایی که جز من معبودِ حقی نیست و پروردگاری جز من نباشد. بنده‌هایم و کنیزانم! در خانه خود تطهیر کردید و به خانه من آمدید، و در ذکر من اندر شدید، و حق مرا شناختید و فرائضم را اداء کردید. تو را ای سخائیل با فرشتگان دیگرم گواه می‌گیرم که من از آنها راضیم.»

### نماز شب

خداوند به حضرت داود وحی کرد که:

ای داود! در تاریکی شب و سحرگاهان استغفار کن و طلب آمرزش نما.

ای داود! هرگاه تاریکی شب تو را فراگرفت نگاه کن به ستارگان بلند در آسمان و تسبیح مرا بگو و بسیار بیاد من باش که من هم تو را یاد می‌کنم.

ای داود! همانا پرهیزکاران شبها را نمی‌خوانند و به خواندن نماز بسر می‌برند و روزشان را سپری نمی‌کنند مگر به ذکر من. ای داود! همانا عارفین دیدگان‌شان را سرمه‌ی بیداری می‌کشند، و در دل‌های شب پیا خیزند و خوشنودی مرا طلب کنند.

ای داود! هرکس نماز شب بخواند برای خاطر من در حالی که مردمان به خواب هستند فرشتگان را امر می‌کنم که برای او استغفار کنند، بلکه هر تر و خشکی که در عالم است برایش دعا

و طلب عفو کند، و بهشت مشتاق او می‌گردد.  
ای داود! بشنو آنچه را که می‌گوییم، و من حق را می‌گوییم،  
بدرستی که من مهربانترم بر بنده‌ی گناهکارم بیشتر از خود او  
برای خودش و من دوست دارم بنده‌ی خودم را برای اینکه او  
مرا دوست دارد و من از او شرم دارم ولی او از من حیا نمی‌کند  
و نافرمانی مرا می‌نماید.

### مناجات در دل شب

درضمن مناجات خدا با موسی بن عمران، این بود که به او  
فرمود:

ای پسر عمران! اگر ببینی آنان را که نماز می‌خوانند در  
تاریکی شب و خود را به من نزدیک می‌نمایند به حدی که  
گویی مرا می‌بینند و مرا مخاطب قرار می‌دهند و با من سخن  
می‌گویند، و من آنان را عزیز و بزرگ می‌کنم.

ای پسر عمران! دروغ می‌گویند کسی که گمان می‌کند که او  
مرا دوست دارد ولی در تاریکی شب می‌خوابد و یاد من  
نمی‌کند، چگونه مگر نه این است که هر دوستی خلوت با  
دوست را می‌خواهد من ای پسر عمران چون شب شود بر  
دوستانم متوجه شوم دیده‌ی آنها را بر دلشان نهم و کیفرم برابر  
چشمان مجسم کنم و مرا مشاهده کنند، و با من حضوری  
گفتگو نمایند.

ای پسر عمران! از دلت به من خشوع بده و از بدنت  
خضوع، و از دو چشمت برای من اشک بریز، سپس مراد در دل  
شبهای تاریک بخوان که مرا نزدیک و پاسخ دهنده می یابی.

### راز و نیاز در دل شب

از رسول خدا ﷺ روایت شده که چون بنده در نیمه شب  
تار، با خدای خود خلوت کند و راز و نیاز نماید، پروردگار  
متعال نوری در دلش جای دهد. و چون گوید: یا رب! یا رب!  
پروردگار بزرگ او را ندا کند:

لیبک بنده‌ی من! بخواه تا بتو بدهم، با من توکل کن تا تورا  
کفایت کنم سپس خداوند به فرشتگانش فرماید:  
ای فرشتگانم! ببینید بنده‌ی مراد در دل شب تار. با من خلوت  
کرده و بیهودگان در بازی و غفلتند و بخواب اندرند. گواه  
باشید که من او را آمرزیدم.

### چه سختیها می کشد

هرگاه که بنده‌ای برای نماز شب برخیزد، و خواب بر وی  
غلبه کند چندان که او را به راست و چپ کشاند و گاهی  
چانه اش به سینه اش رسد، حق تعالی امر فرماید که درهای  
آسمان را بگشاید و فرشتگان را ندا دهد که:

«نظر کنید به بنده‌ی من که در راه تقرب و نزدیکی به من چه



سختیها می‌کشد در چیزی که بر وی واجب نساخته‌ام با امید سه چیز: یا گناهِش را بیامرزم، یا توبه روزیش گردانم، و یا رزق و روزی او زیاد کنم. ای فرشتگان! شما را گواه می‌گیرم که من همه را بدو عطا کردم.»

### شب زنده‌داران

از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که در جنّات عدن اسبهای ابلقی است که زینهایی از یاقوت و زبرجد دارند، و دارای بالها باشند، نه سرگین اندازند و نه ادرار کنند، دوستان خدا بر آنها سوار شوند و در بهشت به هر کجا بخواهند پرواز کنند. سپس اهل بهشت آنها را صدا کنند که ای برادران! شما با ما انصاف نکردید. (که شفاعت کنید تا ما نیز به مقام شما برسیم).

سپس گویند: پروردگارا! چگونه شده است که اینها به این مقام رسیده‌اند؟ آنگاه فرشته‌ای از عرش جواب گوید که:  
«اینان کسانی بودند که شب زنده‌داری کردند و شما می‌خواهید اینان روزه‌دار بودند و شما افطار می‌کردید، و بخاطر خداوند از اموال خویش صدقه دادند و انفاق کردند، اما شما بخل ورزیدید اینان زیاد به یاد خدا بودند و سستی در ذکر نکردند و از خوف خدا گریه می‌کردند و نسبت به دیگران مهربانی می‌کردند.»

## عظمت مساجد

خدایتعالی فرماید:

«مساجد خانه‌های من در روی زمین‌اند، برای اهل آسمان روشنی بخشند همچنان که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند، خوشا به حال کسی که مساجد خانه‌های او باشد. خوشا به حال آنکه در خانه‌اش طهارت کند سپس مرا در خانه‌ام (مسجد) زیارت نماید. و بر میزبان است که مهمان را گرمی دارد. آگاه باش به آنان که در تاریکی‌های شب به طرف مسجدها روانند مژده ده که در قیامت با نوری درخشان خواهند بود.»

## ادب در مسجد

خداوند به عیسی وحی فرمود:

«به بنی‌اسرائیل بگو: که داخل نشوید در خانه‌ای از خانه‌های من مگر با چشمهای گریان و دل‌های پاک و دستهای پاکیزه، و خبر ده ایشان را که من اجابت نمی‌کنم دعای یکی از ایشان را در حالی که نزد او حق کسی باشد.»<sup>(۱)</sup>

### چند حدیث از رسول اکرم ﷺ

- وقتی کسی در نماز پیشوای مردم شد، نماز را سبک گیرد که در میان مردم کوچک و بزرگ و بیمار و ناتوان و حاجتمند هست و هر وقت برای خود نماز گزارد هر چه خواهد طول دهد.

- نماز گزار در خداوند را می‌کوبد و هر که پیوسته دری را بکوبد عاقبت بروی او باز می‌شود.

- خداوند فرشته‌ای دارد که هنگام نماز بانگ می‌زند: ای فرزند آدم، برخیزید و آتشی را که خویشتن افروخته‌اید با نماز خاموش کنید.

- نخستین چیزی که به حساب آن می‌رسند نماز است.

- بین بنده و کفر، ترک نماز فاصله است. (فاصله‌ی بین بنده و کفر، ترک نماز است).

- نشان خشونت و کفر و نفاق آن است که کسی منادی خدا را بشنود که به نماز ندا می‌دهد و وی را به رستگاری می‌خواند و دعوت او را اجابت نکند.

- دعا کلید رحمت و وضو کلید نماز و نماز کلید بهشت است.

۵۱ - دو رکعت نماز با مسواک بهتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است و یک دعای نهان بهتر از هفتاد دعای آشکار است و یک صدقه‌ی نهان بهتر از هفتاد صدقه آشکار است.

- دو رکعت نماز شخص پرهیزگار بهتر از هزار رکعت نماز شخص لایبالی است.

- دو رکعت نماز دانشمند بهتر از هفتاد رکعت نماز غیردانشمند است.

- دو رکعت نماز کسی که متوجه خدا باشد بهتر از هزار رکعت کسی است که از خدا غافل باشد.

- نماز نور مؤمن است.

- نماز ستون دین است.

- نماز چون ترازوست، هرکه کامل کند پاداش کامل یابد.

- نماز چهره شیطان را سیاه کند و صدقه دادن پشت او را بشکند و دوستی در راه خدا ریشه او را می‌کند و وقتی چنین کردید از شما بفاصله شرق و غرب دوری کند.

- نماز قربانی پرهیزکاران است.

- بنده مادام که منتظر نماز است در حال نماز است.

- هرکه نمازش او را از ناسزا و بدی باز ندارد، با نماز از خدا دورتر شود.

- هرکه در حضور مردم نماز خویش نیکو کند و چون به خلوت رود آن را بدگذارد، این اهانتی است که به پروردگار خویش می‌کند.

- مقام نماز نسبت به دین چون مقام سر نسبت به تن است.<sup>(۱)</sup>

### چند حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام

- در وسائل: (کتاب صلوة) باب «تأکید استحباب خشوع در نماز» از حلبی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر زمانی که نماز بجا می آوری بر تو باد به فروتنی و خشوع و توجه نمودن به نماز خود، زیرا خدای برتر از هر چیز می فرماید: «الذین هم فی صلواتهم خاشعون» (مؤمنین کسانی هستند که در نماز خود فروتن و خاشعند).

- و نیز در همان کتاب، باب «تأکید استحباب اقبال به دل، یعنی توجه به خداوند در نماز» از زید بن علی از پیروانش از علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دو رکعت نمازی که سبک و مختصر و با تأمل (در عظمت خداوند) باشد برتر است از ایستادن یک شب تا صبح به عبادت و نماز (در حالیکه بدون تفکر و اندیشه باشد)».

- در وسائل: (کتاب صلاة) ابواب تعقیب، باب «استحباب آن و تأکیدش پس از نماز صبح و عصر» از عبدالله بن احمد بن عامر طائی از پدرش (احمد) از حضرت رضا علیه السلام از پدران گرامیش روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که نماز واجبی را بجای آورد پس برای او نزد خداوند دعای مستجابی می باشد».

- و نیز در همان کتاب و باب، از علی بن جعفر علیه السلام از

برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که نماز واجبی را از نمازهایی که خداوند واجب نموده بجا آورد مگر آنکه چون آن را انجام دهد برای او دعای مستجابی باشد.

- و نیز در همان کتاب و باب، از حسن بن صالح بن حی روایت شده که گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «کسی که وضو گیرد و وضوی خود را نیکو بسازد (وضوی کامل و شادابی بگیرد) پس دو رکعت نماز به جای آورد و رکوع و سجود آن را صحیح و کامل انجام دهد و بعد از آن بنشیند و خدا را ثنا گوید و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرستد پس از خداوند حاجت خود را بخواهد همانا حاجت نیک خود را در مظان و محل استجابت دعا خواسته و کسی که حاجت نیک و مشروع را در مظان استجابت دعا بخواهد ناامید نمی گردد».

- و نیز در همان کتاب باب «اهمیت استجاب اقبال به قلب بر نماز» از محمد بن علی بن الحسین روایت شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «میل و رغبت (به طاعات و طلب و درخواست مقامات اخرویه) و ترس از خداوند در دل هیچ کس جمع نشود مگر آنکه بهشت برای او واجب گردد، پس هرگاه نماز می خوانی به قلب و دل خود به خداوند باعزت و

جلال اقبال کرده و روی نما، زیرا هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که در نماز و دعای خود به خدای باعزت با دلش روی آورد جز آنکه خداوند دل‌های مؤمنین را متوجه او سازد که با مهر و دوستی به وی روی آورند و علاوه بر دوستی مؤمنین نسبت به او، بهشت را نیز به او عطا فرماید».

- و نیز در همان کتاب و جزء، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «بنده از معرفت (خدا و اعتقاد به اصول عقاید و ایمان) به هیچ وسیله‌ای به خداوند تقرب نجسته که آن از نماز برتر باشد».

- در وسائل، (کتاب صلوة) باب «تحریم سبک شمردن نماز و بی‌اعتنایی نمودن به آن» از ابی بصیر روایت شده که گفت بر ام‌حمیده وارد شدم که او را بر مصیبت شهادت حضرت صادق علیه السلام تسلیت دهم، پس ام‌حمیده گریست و من هم بواسطه گریستن او گریه کردم. پس گفت ای ابامحمد، اگر حضرت صادق علیه السلام را هنگام مرگش می‌دیدى البته امر عجیب و شگفت‌آوری را مشاهده می‌کردى. آن حضرت چشمان مبارکش را گشود و فرمود: «خویشاوندان مرا نزد من جمع کنید». پس ما هیچ کس (از خویشان آن حضرت) را فرونگذاریم مگر آنکه او را نزد حضرت جمع کردیم، پس آن بزرگوار به ایشان نظر و توجه کرد و فرمود: «همانا شفاعت ما خاندان رسالت به کسی که نماز را سبک بشمارد هرگز

نمی‌رسد».

- در مستدرک الوسائل، (کتاب صلوة) باب «استحباب اختیار نماز به غیر آن از عبادات مستحبه» از جناب ابی ذر روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود: «ای ابی ذر، همانا خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داده و آن را نزد من محبوب گردانیده است چنانچه آب را محبوب شخص تشنه و غذا را محبوب شخص گرسنه قرار داده و البته گرسنه هرگاه غذا بخورد سیر می‌گردد و شخص تشنه چون آب بیاشامد سیراب می‌شود ولی من از نماز سیر نمی‌شوم».

- و نیز در همان کتاب و باب، از ابی بصیر و محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزت و جلال از نماز محبوبتر نیست، پس هیچ چیز از امور دنیا از بجا آوردن نماز در وقتهايش شما را مشغول نگرداند، زیرا خداوند با عزت و جلال جماعت و گروهی را مذمت کرده و فرموده الذین هم عن صلواتهم ساهون (کسانی که از نمازشان غفلت می‌ورزند یعنی وقتهای آن را سبک می‌شمارند).

- و نیز در همان کتاب، باب «ثبوت کفر و ارتداد به سبب ترک نماز واجب به جهت انکار یا سبک شمردن آن» از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: «کسی که نمازش را بدون عذر ترک کند تا وقت آن بگذرد عمل و طاعات او قبول



نگردد». سپس فرمود: «فاصله‌ی میان بنده و کفر، ترک نماز است»، و فرمود: «کسی که نماز را ترک کند و به ثواب و پاداش آن امیدوار نباشد و از عقاب و شکنجه‌ی ترک آن نهراسد، پس من با کی ندارم که او یهودی یا نصرانی یا مجوسی بمیرد».

- و نیز در همان کتاب، باب «وجوب محافظت و مواظبت بر نماز در اوقاتش» از کتاب جعفریات از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه بین او و خدای متعال عهد و قراردادی است (که او را داخل در بهشت فرماید) مادامی که نمازش را در وقتش بجا آورد و یا آنکه به جهت شناختن حق و ارزش نماز آن را بر امور دیگر برگزیند و مقدم دارد. پس اگر آن بنده نماز را بواسطه سبک شمردن و بی‌اعتنایی درباره آن ترک کند و غیر آن را بر آن ترجیح داده و مقدم دارد خداوند از آن عهد بیزاری خواهد جست (و نعمتها و مقامی که برای نمازگزاران است به او عطا نفرماید) و مشیت و اختیار امرش با خدای باعزت و جلال است یا آنکه او را عذاب می‌فرماید و یا او را می‌آمرزد (در صورتی که توفیق توبه بیابد).

- و نیز در همان کتاب، باب «وجوب اتمام و کامل بجا آوردن نماز و بپا داشتن آن» از جعفر بن احمد قمی در کتاب غایات روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دزدترین دزدها کسی است که از نماز خود بدزدد»، عرض کردند ای

رسول خدا، چگونه از نماز خود می‌دزدد؟ فرمود: «رکوع و سجودش را تمام نکند و صحیح انجام ندهد».

- و نیز در همان کتاب و باب، از کتاب غوالی اللثالی از ابی عبدالله اشعری روایت شده که رسول خدا ﷺ با اصحاب و یاران خود نماز خواندند پس در میان جماعتی نشست و مردی وارد مسجد شد و به نماز ایستاد و هنوز رکوع را صحیح و درست انجام نداده به سجده می‌رفت مانند دانه برچیدن مرغ و پیغمبر اکرم ﷺ به او توجه می‌فرمود و می‌نگریست، پس حضرت فرمود: «این مرد را می‌بینید؟ اگر او بر چنین حالی (و بر چنین نمازی) بمیرد بر غیر ملت و دین محمد خواهد مرد، نمازش را با عجله و شتاب بسیار بجا آورد همچون کلاغ که منقار به خون می‌زند و در سجده‌اش شتاب می‌کند داستان آن گرسنه‌ای است که چیزی جز یکدانه یا دو دانه خرما نخورده که البته دو دانه خرما او را بی‌نیاز نگرداند، پس وضوی خود را کامل و رکوع و سجود نماز خویش را تمام و صحیح انجام دهید».<sup>(۱)</sup>

از نامه حضرت علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر هنگامی که او را والی مصر نمود:

«ای محمد بین، نمازت چو نیست. زیرا تو پیشنمازی و پیشنمازی نباشد که برای مردمی نماز بخواند و در نمازشان

تقصیری باشد جز اینکه گناه همه‌ی آنها بر اوست و از ثواب آنها کم نشود و وضوء را متوجه باش که تمامیت نماز است و نماز ندارد کسی که وضو ندارد و بدان که هرکارت دنبال نمازت هست و بدان که هرکه نماز را ضایع کند شرایع دیگر اسلام را ضایع تر کند»<sup>(۱)</sup>.

## سنت پیامبر ﷺ، در مورد نماز

کلینی در «کافی» با ذکر سند، از «زراره» نقل کرده که گفت: حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: آیا نمی خواهید وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را برایتان حکایت کنم؟ گفتم: چرا! حضرت دستور داد ظرفی که مقدار کمی در آن آب بود آوردند، آن را جلوی خود نهاد، و دو دستش را بالا زد و سپس دست راست خود را در آن فرو برد و گفت: این، وقتی است که دست پاک باشد. آنگاه دستش را پر از آب کرد، بر پیشانی خود نهاد و «بسم الله» گفت و آن را به اطراف محاسن خود جریان داد و دست خود را با آب بر صورت و پیشانی کشید تا تمام روی خود را شسته باشد. سپس دست چپ را در آب فرو برد و یک مشت آب برداشت و به آرنج دست راست خود ریخت و با کف دست چپ آن آب را به ساعد دست راست و اطراف انگشتان رسانید. آنگاه با دست راست کفی از آب پر کرده به آرنج چپ ریخت و همچنان دست چپ را تا نوک انگشتان شست سپس جلو سر و پشت پاها را با تری دست چپ و بقیه تری دست راست مسح کرد.

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: خدا تک است و تک را دوست می دارد، از این جهت در وضو گرفتن نیز سه مشت آب بس است، یکی برای صورت و دوتای دیگر برای دستها، و با

تری دست راست جلو سر و پشت پای راست را مسح کن و با دست چپ پای چپ را.

زراره گفت: حضرت فرمود: مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام کیفیت وضو گرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پرسید، امیرالمؤمنین علیه السلام همین طور که من برای شما حکایت کردم، برای آن شخص بیان داشت.

- شیخ صدوق در کتاب «خصال» از امام صادق از آباء گرامش، از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو چیز است که دوست ندارم کسی در آن دو به من کمک کند. یکی در وضو گرفتن، زیرا که از نمازم محسوب می شود. دیگری صدقه دادن که دوست دارم با دست خود به سائل برسانم زیرا که آن بدست خداوند بخشنده می رسد.

- جعفر بن احمد قمی در کتاب «زهد النبی» روایت کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که به نماز می ایستاد، از ترس خدا رنگش می پرید و صدائی سوزناک از او به گوش می رسید.

- و نیز در همان کتاب در روایت دیگری نقل کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی نماز می خواند مانند جامه ای بود که روی زمین افتاده باشد.

- مجلسی در کتاب «بحار الانوار» از عایشه نقل کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با ما حرف می زد، و ما با او سخن می گفتیم، همین که موقع نماز می شد او را حالتی دست می داد

که گوئی نه او ما را می شناسد و نه ما او را می شناسیم.  
- صدوق در «فقیه» به سند خود از «زراره» از امام باقر علیه السلام  
روایت کرده که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی برای نماز، از خانه بیرون آمد در حالی که حسین علیه السلام را به دوش خود گرفته و به مسجد آورد و در کنار خود نشانید. مردم نیز پشت سر آن حضرت برای نماز جماعت صف کشیدند - حسین علیه السلام دیر به سخن آمده بود به طوری که می ترسیدند زبان باز نکند - چون رسول خدا تکبیر نماز گفت، حسین علیه السلام با آن حضرت تکبیر گفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی تکبیر فرزندش را شنید دوباره تکبیر گفت. باز حسین علیه السلام با آن حضرت موافقت کرد تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هفت بار تکبیر گفت و حسین علیه السلام نیز تکبیر گفت. به این سبب هفت بار تکبیر گفتن در ابتدای نماز سنت گردید. (۱)

## در بیان فراغت وقت و قلب در نماز

بدان که فراغت برای عبادت حاصل شود به فراغت وقت برای آن و فراغت قلب. و این امر از مهمّات است در باب عبادات که حضور قلب بدون آن تحقّق پیدا نکند، و عبادت با حضور قلب دو امر است: یکی فراغت وقت و قلب، و دیگر فهماندن به قلب اهمیّت عبادت را. و مقصود از فراغت وقت آن است که انسان در هر شبانه‌روزی برای عبادت خود وقتی را معین کند که در آن وقت خود را موظّف بداند فقط به عبادت و اشتغال دیگری را برای خود در آن وقت قرار ندهد. انسان اگر بفهمد که عبادت یکی از امور مهمّه‌ای است که از کارهای دیگر اهمیّتش بیشتر بلکه طرف نسبت با آنها نیست البته اوقات آن را حفظ می‌کند و برای آن وقتی موظّف می‌کند و ما پس از این به قدر مقدور شمه‌ای از آن را بیان می‌کنیم.

در هر حال انسان متعبّد باید اوقات عبادتش موظّف باشد، البته اوقات نماز را که مهمترین عبادات است باید حفظ کند و آنها را در اوقات فضیلت بجا آورد و در آن اوقات برای خود شغل دیگری قرار ندهد و همانطور که برای کسب مال و منال و برای مباحثه و مطالعه وقت موظّف قرار می‌دهد برای این عبادات نیز قرار دهد که در آن وقت فارغ از امور دیگر باشد تا

حضور قلب که مغز و لبّ عبادات است برای او میسر باشد ولی اگر مثل نویسنده، نماز را با تکلف بجا آورد و قیام به عبودیت معبود را از امور زائده بداند البته آن را تا آخر وقت امکان به آخر می اندازد و در وقت ایتیان آن نیز بواسطه آنکه کارهای مهمی به نظر و گمان خود مزاحم با آن می بیند یا سر و دست شکسته اتیان می کند. البته چنین عبادتی نورانیت ندارد و سهل است مورد غضب الهی است و چنین شخصی مستخفّ به صلاة و متهاون در امر آن است. به خدای تعالی پناه می برم از خفیف شمردن نماز و مبالغت نکردن به امر آن. این اوراق گنجایش ذکر اخبار در این باب را ندارد ولی بعضی از آن را ذکر می کنم برای عبرت.

عن محمد بن یعقوب باسناده عن أبي جعفر عليه السلام قال: لا تتهاون بصلاتك فإن النبي صلى الله عليه وآله قال عند موته: ليس مني من استخفّ بصلاته، ليس مني من شرب مسكراً، لا يرد عليّ الحوض لا والله. (۱)

«حضرت باقر عليه السلام فرمود به زراره رضی الله عنه سستی مکن در امر نمازت زیرا که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود در دم مردنش: نیست از من کسی که خفیف شمارد نمازش را، از من نیست کسی که بیاشامد مسکری، به خدا قسم که وارد نمی شود بر من نزد حوض».

و باسناده عن أبي بصير قال: قال أبو الحسن الأول عليه السلام: لَمَّا



حَضْرَتِ أَبِي الْوَفَاءِ قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ لَا يَنْالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ  
بِالصَّلَاةِ. (۱)

«جناب ابوبصیر گوید که حضرت کاظم علیه السلام فرمود: چون پدرم را وفات رسید فرمود به من: ای پسرک من، همانا نایل نشود شفاعت ما را کسی که استخفاف کند به نمازش».

و اخبار در این زمینه بسیار است ولی برای اهل اعتبار همین بس است، خدا می داند که انقطاع از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خروج از تحت حمایت آن سرور چه مصیبت عظیمی است، و حرمان از شفاعت آن سرور و اهل بیت معظّم او چه خذلان بزرگی است. گمان مکن که بدون شفاعت و حمایت آن بزرگوار کسی روی رحمت حقّ و بهشت موعود را ببیند. اکنون ملاحظه کن مقدّم داشتن هر امر جزئی بلکه نفع خیالی را بر نماز که قُرّة العین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بزرگ وسیله رحمت حقّ است و اهمال کردن درباره ی آن و به آخر وقت انداختن بدون عذر و حفظ نمودن حدود آن، آیا تهاون و استخفاف است یا نیست؟ اگر هست بدان که به شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت ائمه ی اطهار علیهم السلام از ولایت آنها خارج و به شفاعت آنها نایل نشوی. اکنون ملاحظه نما اگر احتیاج به شفاعت آنها داری و مایلی که از امت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشی بزرگ بشمار این ودیعه ی الیه را و اهمیّت بده به آن والا خود دانی. خدای

تعالی و اولیاء او بی نیازند از عمل من و تو، بلکه بیم آن است که اگر اهمیّت ندادی منجر به ترک آن شود و از ترک به جحود رسد که کارت یکسره شود و به شقاوت ابدی و هلاکت دائمی رسی.

و از فراغت وقت مهمتر فراغت قلب است بلکه فراغت وقت نیز مقدمه‌ای برای این فراغت است. و آن چنان است که انسان در وقت اشتغال به عبادت خود را از اشتغالات و هموم دنیائی فارغ کند و توجه قلب را از امور متفرقه و خواطر مشتته منصرف نماید و دل را یکسره خالی و خالص برای توجه به عبادت و مناجات با حقّ تعالی نماید و تا فراغت قلب از این امور حاصل نشود تفرّغ برای او و عبادت او حاصل نشود. ولی بدبختی آن است که ما تمام افکار مشتته و اندیشه‌های متفرقه را ذخیره می‌کنیم برای وقت عبادت، همین که تکبیرة الاحرام نماز را می‌گوییم گویی در دکان را باز کردیم یا دفتر محاسبات را گشودیم یا کتاب مطالعه مفتوح نمودیم، دل را می‌فرستیم به سوی اشتغال به امور دیگر و از عمل بکلی غافل شده یک وقت به خود می‌آئیم که به حسب عادت به سلام نماز رسیدیم. حقیقتاً این عبادت فصاحت آور است و این مناجات شرم‌انگیز است.

عزیزم! تو مناجات با حقّ را مثل تکلم با یک نفر بندگان ناچیز حساب کن، چه شده است که اگر با یک نفر از دوستان -

سهل است با يك نفر از بيگانگان - اشتغال به صحبت داشته باشی مادام که با او مذاکره می‌کنی از غیر غافل و با تمام توجه به او مشغولی، ولی در اشتغال به مکالمه و مناجات با ولی النعم و پروردگار عالمیان بکلی از او منصرف و غافل و به دیگر امور متوجهی؟! آیا قدر بندگان از ذات مقدس حق افزون است؟ یا تکلم با آنها ارزشش از مناجات با قاضی الحاجات بیشتر است؟ آری من و شما مناجات با حق را نمی‌دانیم، البته امری که تحمیل بر شخص شد و سربار زندگی گردید در نظر اهمیت نخواهد داشت. باید سرچشمه را اصلاح کرد و ایمان به خداوند و فرمایشات انبیاء پیدا کرد تا کار اصلاح شود، همه‌ی بدبختی‌ها از ضعف ایمان و سستی یقین است. ایمان سید بن طاووس رحمته الله علیه او را به جایی می‌رساند که روز اول تکلیفش را عید می‌گیرد برای آنکه حق تعالی اجازه‌ی ورود مناجات به او مرحمت کرده و او را مخلع به خلعت تکلیف فرموده. حقیقتاً تصوّر کن این چه قلبی است که اینقدر نورانیت و صفا دارد، اگر عمل این سید جلیل برای تو حجت نیست کار سیدالموحّدین و اولاد معصومین او که برای تو حجت است، نظر کن در حال آن بزرگواران و کیفیت عبادات و مناجاتهای آنها. بعضی از آنها در وقت نماز رنگ مبارکشان تغییر می‌کند و پشت مبارکشان می‌لرزید از خوف آنکه مبادا در امر الهی لغزشی شود با آنکه معصوم بودند.

از حضرت مولی معروف است که تیری به پای مبارکش رفته بود که طاقت بیرون آوردن نداشت در وقت اشتغال به نماز بیرون آوردند و اصلاً ملتفت نشد.

عزیزم! این مطلب از امور ممتنعه نیست، نظیر آن در امور عادیّه برای مردم بسیار اتفاق می افتد، انسان در حال غلبه‌ی غضب و غلبه‌ی محبت گاهی از هر امری غافل می شود. یکی از دوستان موثق ما می گفت: «وقتی با جمعی از اوباش در اصفهان منازعه کردیم، در بین اشتغال به زد و خورد می دیدم بعضی از آنها مشت به من می زدند؛ نفهمیدم چیست، بعد که فراغت حاصل شد و به خود آمدم معلوم شد با کارد چندین زخم به من زدند که از آثار آن تا چندی بستری بودم». البته نکته‌ی آن هم معلوم است. وقتی که نفس توجه تامّ به یک امری پیدا کرد از مُلک بدن غافل می شود و احساسات از کار می افتد و همّش همّ واحد می شود. ما خود در جنگ و جدال مباحثات - نعوذ بالله منها - دیدیم که اگر در مجلس هر امری واقع شود از آن بکلی غافل هستیم. ولی افسوس که ما به هر امری توجه تامّ داریم جز به عبادت پروردگار، و از این جهت استبعاد می کنیم.

در هر صورت فراغت از غیر حقّ از امور مهمّه است که انسان باید با هر قیمت هست آن را تحصیل بکند و طریق تحصیل آن نیز ممکن و سهل است، با قدری مواظبت و

مراقبت تحصیل می توان کرد. باید انسان مدتی اختیار طایر خیال را بدست گیرد و هر وقت خواست از شاخه‌ای به شاخه‌ای پرواز کند آن را حفظ کند پس از مدتی مراقبت رام و آرام شود و توجه آن از امور مشتته منصرف شود و خیر عادت او گردد - وَالْخَيْرُ عَادَةٌ - و فارغ البال اشتغال به توجه به حق و عبادت او پیدا کند.

و از همه‌ی این امر مهمتر که باید دیگر امور را مقدمه‌ی آن دانست حضور قلب است که روح عبادت و حقیقت آن بسته به آن است و بدون آن هیچ قیمیت برای عبادات نیست و قبول درگاه حق تعالی چنانچه در روایت شریفه وارد است.

کافی: باسناده، عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام : إِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا، فَإِنْ أَوْهَمَهَا كَلَّهَا أَوْ غَفَلَ عَنْ آدَابِهَا لُفَّتْ فَضْرِبَ بِهَا وَجْهٌ صَاحِبِهَا. (۱)

«حضرت باقر و صادق عليهما السلام فرمودند به فضیل بن یسار: نیست از برای تو از نمازت مگر آنچه توجه قلب کردی به آن از نماز، پس اگر غلط بجا آورد تمام آن را یا غافل شود از آداب آن، پیچیده شود و به آن زده بشود به روی صاحبش».

وَرَوَى الشَّيْخُ الْأَقْدَمُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رضي الله عنه فِي التَّهْدِيبِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ الثُّمَالِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يُصَلِّي فَسَقَطَ رِدَاؤُهُ عَنْ مَنْكِبِهِ فَلَمْ يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ. قَالَ: فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ:

وَيَحَاكَ أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كُنْتُ؟ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ صَلَاةٌ إِلَّا مَا أُقْبِلَ مِنْهَا. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلَكْنَا: قَالَ: كَلَّا، إِنَّ اللَّهَ مُتَمِّمٌ ذَلِكَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِالْتَوَافُلِ. (۱)

«ابو حمزه ی ثمالی گفت: دیدم حضرت سجّاد علیه السلام را که نماز می خواند پس عبای آن حضرت افتاد، حضرت راست نفرمود عبا را تا از نماز فارغ شد. پس، از آن بزرگوار سؤال کردم، فرمود: وای به تو آیا می دانی در حضور چه کسی بودم؟ همانا از بنده قبول نمی شود نمازی مگر آنچه را توجه قلب کرده از آن. عرض کردم: فدایت شوم هلاک شدیم ما! فرمود: هرگز، همانا خداوند تمام می فرماید آن را برای مؤمنین به واسطه ی نافله ها.»

و عن الخصال: بإسناده عن عليّ عليه السلام في حديث الأربع مائة قال: لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ مُتَكَايِئًا وَلَا نَاعِسًا، وَلَا يُفَكِّرَنَّ فِي نَفْسِهِ فَإِنَّهُ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّمَا لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ أُقْبِلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ. (۲)

«فرمود حضرت امیر علیه السلام نایستد در نماز البته هیچیک از شما در حال کسالت و نه در حال چرت زدن، و اندیشه نکند البته در پیش نفس خود زیرا که او در محضر پروردگار است، و جز این نیست که از برای بنده از نمازش آن چیزی است که

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۸۸.

۲- خصال، ص ۶۱۴.

توجه کرده است به آن چیز به قلب خویش از نمازش». و اخبار در این منوال بسیار است و همینطور در فضیلت اقبال به قلب که بعضی از آنها را در این مقام نقل می‌کنیم و اکتفا به آن می‌نماییم و برای اهل اعتبار کفایت می‌کند.

عن محمد بن علی بن الحسین صدوق الطایفة بإسناده عن عبدالله بن أبي يعفور قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: يا عبدالله إذا صَلَّيتَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُودِّعٍ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا، ثُمَّ اصْرِفْ بَبَصْرِكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ، فَلَوْ تَعَلَّمُ مَنْ عَنْ يَمِينِكَ وَشِمَالِكَ لَأَحْسَنْتَ صَلَاتَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ يَرَاكَ وَلَا تَرَاهُ. (۱)

«فرمود حضرت صادق عليه السلام به عبدالله بن ابی یعفور ای عبدالله وقتی که مشغول نماز می‌شوی مثل کسی که وداع می‌کند با نماز و ترس آن دارد که دیگر به آن نرسد نماز بخوان، پس از آن چشمت را بدوز به موضع سجودت، تو اگر بدانی [چه] کسی در راست و چپت هست نمازت را نیکو بجا می‌آوری، بدان که تو پیش روی کسی ایستادی که او تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی».

و بإسناده عن أبي عبدالله عليه السلام في حديث إنَّه قال: لَأَحِبُّ لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةً أَنْ يُقِيلَ بِقَلْبِهِ اللَّهَ وَلَا يَشْغَلَ قَلْبُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا، فَلَيْسَ مِنْ يُقِيلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ

إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَأَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ إِيَّاهُ. (۱)

«فرمود حضرت صادق علیه السلام: همانا من دوست دارم از شما مرد مؤمنی را که وقتی در نماز واجبی ایستاد اقبال و توجه کند به قلبش به سوی خدای تعالی و مشغول نکند قلبش را به کار دنیا. نیست بنده‌ای که در نمازش توجه کند به سوی خدا به قلبش مگر آنکه اقبال کند خداوند بسوی او به وجهش، و قلوب مؤمنان را متوجه کند بسوی او به محبت بعد از دوستاری خداوند او را».

اکنون بین این چه بشارتی است که صادق آل محمد علیهم السلام به مؤمنین می‌دهد! افسوس که ما بیچاره‌های محجوب از معرفت، از توجه به حق تعالی بی‌بهره‌ایم و از دوستی ذات مقدس او اطلاعی نداریم و دوستی حق را قیاس می‌کنیم به دوستی بندگان. اهل معرفت می‌گویند حق تعالی برای محبوب خود رفع حجت می‌کند و خدا می‌داند در این رفع حجت چه کرامتهائی است! غایت آمال اولیاء و نهایت مقصد آنها همین رفع حجت بوده. جناب امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد معصومین آن بزرگوار در مناجات شعبانیه عرض می‌کنند؛ إلهی هَبْ لِي كَمَالَ الْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتُصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا



مُعَلَّقَةٌ بِعِزِّ قُدْسِكَ. (۱)

خداوندا، این نورانیت بصیرت قلوب که اولیا از تو خواستند و خواهش نمودند به نورانیت آن واصل به تو شوند چه بصیرتی است؟ بارالها این حجت نور که در لسان ائمه معصومین ما متداول است چیست؟ این معدن عظمت و جلال و عزّ قدس و کمال چه چیزی است که غایت مقصد آن بزرگواران است و ما تا آخر از فهم علمی آن هم محرومیم تا چه رسد به ذوق آن و شهود آن؟ خداوندا، ما که بندگان سیه روی سیه روزگاریم جز خور و خواب و بغض و شهوت از چیز دیگر اطلاع نداریم و در فکر اطلاع هم نیستیم، تو خود نظر لطفی به ما کن و ما را از این خواب بیدار و از این مستی هشیار فرما.

در هر صورت برای اهلش همین یک حدیث کفایت می‌کند که تمام عمر خود را صرف کنند برای تحصیل محبت الهی و اقبال وجه الله، ولی امثال ما که وارد این وادی نیستیم و مرد این میدان نمی‌باشیم به احادیث دیگر متشبّث می‌شویم.  
عن ثواب الأعمال: بإسناده عَمَّن سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ

۱- «مفاتیح الجنان»، قسمتی از مناجات شعبانیه؛ «خداوندا کمال دل بستگی به خودت را به من ببخش، و دیدگان دل ما را با نور نظرش به خودت نور ببخش، تا دید دلها حجابهای نور را بدرد و به معدن عظمت واصل شود، و ارواح به ساحت عزّ قدس تو آویخته گردد.

صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا، أَنْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ إِلَّا غَفَرَ لَهُ. (۱)

«راوی گوید شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود؛ کسی که دو رکعت نماز بخواند در صورتی که بداند چه می گوید در آنها، منصرف شود و حال آنکه نیست بین او و بین خداوند گناهی مگر آنکه آمرزیده آن را».

و عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إنه قال: رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ. (۲)

«فرمود رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم: دو رکعت خفیف با تفکر بهتر از عبادت یک شب است».

### با میل و رغبت به سوی خدا بشتاب

بدان که نماز تو را دعوت می نماید که در حضور مالک احیاء و اموات حاضر شوی، پس با کمال شرافت و میل و رغبت بسوی آن مبادرت نما، و هر کاری که خداوند تو را از اشتغال به آن معذور ندارد ترک کن؛ زیرا که اشتغال به آن مخالفت مولی و سبک شمردن امر او جل جلاله خواهد بود، و

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۶۷.

۲- همان.

۳- کل مبحث (بیان فراغت وقت و قلب) از چهل حدیث، حدیث ۲۷، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه اقتباس شده است.

خطری است که ایمن از آن نخواهی بود، و به قول کسانی که تأخیر آن را از اول وقت آن سهل شمارند التفات منما و او را امتحان کن به اینکه اگر از تو حاجتی بطلبد و آن را از اول امکان به تأخیر اندازی آیا تو را ملامت نماید؟ و مستحق خطاب و عتاب نداند؟ و نخواهد گفت: که حق دوستی را بجا نیاوردی؟ پس بدان که چنین اشخاص، جاهلان بحق و عظمت و نعمت خداوندند، و از تو انتظار دارند که بیش از خداوند عزوجل تحلیل و احترامشان نمایی، و محبت و دوستی تو نسبت به ایشان بیش از محبت و دوستی با او جل جلاله بوده باشد، پس برحذر باش از اینکه در اهانت به مولای خود به ایشان تآسی نموده و از آنان پیروی نمایی، و چه قدر قبیح است که انسان بنده‌ی ذلیل را بامولای جلیل که او را مشاهده نماید، برابر بداند؟ همانا این عمل کسی است که هلاکت ابدی را سبک شمرده و به آن اعتنا ندارد.

پس در نماز وارد شو و ورود کسی که کمال اشتیاق را به آن دارد، و ورود کسی که رغبت و عشق به آن دارد، و از شدت عشق و علاقه به سوی آن مبادرت می‌نماید، و در حال نماز خطاب تو با خداوند حی موجود بوده باشد در حالتی که خود را ذلیل‌ترین ذلیلها در حضور حضرتش بدانی، و مدح و ثنای حضرتش کن بلیغ‌تر و بهتر از مدح تو پادشاهی از پادشاهان دنیا را در وقتی که در حضور او ایستاده باشی و مدح و ثنای او

نمایی.

و در حال رکوع و سجود متذکر باش که در مقابل او جل جلاله هستی، و در حضور حضرتش به رکوع و سجود می‌روی، و اینکه این تذلل و خضوع و خشوع تو خدمت و طاعت او، و موجب قرب به او جل و علا است، و متوجه باش که بر تو منت دارد که تو را به خدمت و طاعت خود خوانده است، چنانکه قبلاً بیان شد، و از حضرتش برای حال و آینده جزاء و مزدی مطلب، چنانکه در گذشته به آن اشاره نمودم، بلکه به این قصد بجای آور؛ که او جل جلاله اهل و مستحق عبادت و طاعت و پرستش است.

و چون از نماز فارغ شوی در حال ترس و هراس باش از اینکه تقصیری در آن نموده باشی که سبب شود که آن را بر تو رد نماید، و قبول درگاهش واقع نشود؛ زیرا که تو خود می‌دانی که در قضاء حوائج بعضی از مردم بانشاط و اقبال قیام نموده و معامله می‌نمایی بیش از آنکه با مالک دنیا و آخرت و احسان‌کننده حقیقی معامله می‌نمایی.<sup>(۱)</sup>

### در برابر چه کسی ایستاده‌ای؟

اینک تو ای نفس من، پس از این همه مراتب در مقابل این همه الطاف بزرگ الهی اگر عبادت جن و انس را نیز بکنی باز

---

۱- برنامه‌ی سعادت، تألیف عالم ربانی سیدابن طاووس رحمته‌الله.

کارت به رسوائی خواهد کشید تا چه رسد به این که شب‌ها را چون مرداری بر بستر و روزها تنبل و بی‌کاری بلکه ای کاش که از بسترت بر نمی‌خواستی و از خوابت بیدار نمی‌شدی تا مگر از شرمندگی و سرافکنندگی بخواب بودن بیشتر بهره می‌بردی تا با چنین حال و چنین قلب وارونه‌ای به پاخواستی بلکه اگر حقیقت بیداری شبت را و بلکه حقیقت شریف‌ترین حالات بیداریت را که همان حال نماز است بشکافی و به حقیقت عمل خویش ملتفت باشی از نمازت بیش از گناهانت استغفار می‌کنی و از حضرت او جل جلاله حیا می‌کنی و اگر باور نداری گوش کن تا یکی از کوچک‌ترین تقصیرهای تو را در باره‌ی ادب حضور در پیشگاه این سلطان عظیم رحمن رحیم برایت بگویم و آن عبارت است از این که در حال نمازت از حضور او غفلت می‌کنی و دلت به غیر او مشغول است که اگر در همین یک تقصیر تأمل کنی که چگونه در حضور مرد بزرگی از قبیل فرماندار شَهْرَت و یا یکی از شریفان فامیلت مؤدب می‌ایستی و آن ادب را با ادب در نمازت در حضور ملک الملوک تعالی مقایسه کنی متوجه می‌شوی که چه بسیار تقصیر کرده‌ای و به عظمت این سلطان عظیم توهین نموده‌ای زیرا که راضی نبودی در محضر فرماندار شَهْرَت هنگامی که او با تو روبرو است تو پشت به او کنی و وقتی که او با تو سخن می‌گوید تو به دیگری اظهار فروتنی کنی بلکه در حضور او و در حالی که او با تو

حرف می‌زند تو به دشمن او سجده کنی که چنین توهین و اهانت را حتی با هم‌ردیفان خودت بلکه با نوکران خودت حاضر نیستی انجام دهی وای که چه رسوایی بار آورده‌ای و به چه حال فضیحی گرفتار شده‌ای که با سلطان عظیم مهربان چنین معامله کردی آن هم در نمازی که به احترام تو به تو اجازه فرموده تا در این معراج و مناجات با او درآیی بلکه بزرگترین منت بر تو نهاده که تو را به گفت‌وگو با خودش و به مجلس انسش دعوت فرموده و در عین حال تمام لحظات نماز مراقب تو است و در همه‌ی افعال و اذکار نماز مشمول لطف او هستی و از کرانه‌ی آسمان احسان او بر سر تو فرو می‌ریزد و فرشتگان بزرگوارش را دستور می‌دهد که به احترام تو از قدمگاهت تا افق آسمان گرداگرد تو بایستند و با دیده‌ی رحمت به تو نگاه می‌کند و در اجتماع فرشتگان به تو مباحثات می‌فرماید.

پس تو ای مسکین نفس من، ای نادان، ای بدکردار، ای بی‌حیاء بلکه ای بی‌ایمان و بی‌عقل و بی‌شعور چه خواهی کرد با چنین خسران عظیم؟ که اگر چهارپائی از حیوانات ده یک مهربانی و الفت و دلسوزی را که تو از مالک خود می‌فهمی می‌فهمید با مالکش مأنوس می‌شد و الفت می‌گرفت و مناسب با طبع حیوانی‌اش حضور مالکش را ملاحظه می‌کرد چقدر از حیوانات را دیده‌ای و بلکه از سگ دیده‌ای که کسی را که به او غذا می‌دهد مراقبت می‌کند آن هم چه مراقبت عجیبی؟ که اگر

دقیقاً تأمل کنی خواهی دید که سگ در مقابله با صاحبش بسی از تو باحیاطتر و باوفاتر است ای انسان ای عاقل خودت انصاف بده که با خدای جلیل، منعم جلیل این چنین معامله درست است؟ خدائی که از شماره‌ی نعمت‌های او که به تو عنایت کرده عاجزی بلکه اهل آسمانها و زمین‌ها عاجزاند و ذره‌ای از عظمت سلطنت او را عقل عقلا و فهم دانشمندان و وهم حکیمان نمی‌توانند درک کنند.

آیا این درست است که معامله‌ی تو با چنین خدایی کمتر از معامله‌ی سگ با صاحبش باشد؟ مگر نمی‌دانی که صاحب سگ چه بسا که به جز استخوان خالی چیزی به او نمی‌دهد ولی با این حال او در تمام شب پاسبان او است و نگهبان خانه و احشام او است و تا احساس کند که غریبی می‌خواهد وارد خانه شود به او حمله می‌کند و اگر گرگی بخواهد به گله‌ی او بزند دفاع می‌کند و چه بسا که صاحبش همان استخوان خالی را هم فراموش می‌کند که به او بدهد ولی با این وصف به همان آذوقه‌ی کم و شکم خالی می‌سازد و در خانه صاحبش را ترک نمی‌کند و به در خانه دیگری نمی‌رود.

بشنو ای نفس! بشنو ای کم شرم! ای بی‌حیا! که تو نسبت به صاحب رفیقت و نعمت‌بخش مهربانت با اینکه از غذاهای لطیف با این همه تشریف و احترام در خانه‌های عالی و ظرف‌های پرقیمت به تو می‌خوراند قبیح‌ترین جنایات را به او

می‌کنی و به دشمن او سر فرود می‌آوری و اگر تو را دستور دهد که با پروردگارت در راه تحصیل بدست آوردن سعادت بیشتری مخالفت کن آن چنان فرمائش را می‌بری که سجده‌اش می‌کنی با آنکه به یقین می‌دانی که اگر پروردگارت با تو حلم نرزد و نیرو و دیگر وسایل تحصیل به تو ندهد تو را امکان مخالفت او نیست و هه که چه مصیبت عظیمی و فاجعه‌ی بزرگی است! و در حسرتی که در چنین پیش‌آمد مهم و ناگوار دست می‌دهد و زیان بزرگی که رخ می‌دهد باید گفت: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، چه حالی خواهیم داشت اگر در رابطه با اینگونه معاملات مورد خطاب پروردگار قرار گیریم و به ما بفرماید ای بی‌شرم ای زشت‌رو مگر تو را من ایجاد نکردم؟ مگر من آفرینش تو را مستوی و معتدل نساختم؟ مگر من مباشر تدبیرکار تو نبودم به گونه‌ای که راضی نشدم از نعمتی محروم بمانی تا آنجا که توصیف‌کنندگان از وصف کردن آن نعمت‌ها عاجز ماندند و نتوانستند آن‌ها را شماره کنند و تو با همین نعمتها در محضر من معصیت مرا کردی!

من تو را دستور دادم به چیزی که صلاح تو در آن بود و دشمن من و تو، تو را دستور داد به چیزی که فساد و هلاکت تو در آن بود و تو در حضور من مخالفت مرا نموده و اطاعت دشمن من و دشمن خودت را کردی در صورتی که همه وسایلی که به وسیله‌ی آن‌ها از دشمن من اطاعت می‌کردی از



نعمت‌های من بود که نعمت بخش تو و روزی دهنده‌ی تو بودم  
به احترام تو و از رهگذر منت بر تو، تو را به بارگاه کرامت و  
مجلس انس ام دعوت نمودم اما تو از من روگردان شدی ولی  
دشمن من و تو، تو را دعوت کرد که در پائین‌ترین درکات  
دوزخ هم‌نشین او و در کنار او باشی دعوت او را پذیرفتی و  
فرمانش بردی!

و شاید در رابطه با این‌گونه خطاب‌ها است که امام  
صادق علیه السلام می‌فرماید:

ولو لم یکن للحساب مهولة إلا حياء العرض علی الله و فضیحة  
هتک الستر یحق للمرء لا یهبط من رؤس الجبال.

اگر موقف حساب راهیچ هول و وحشتی نبود مگر خجلت  
و سرافکنندگی عرضه شدن اعمال بر خدای تعالی و رسوائی  
پرده‌داری، سزاوار بود که آدمی (سر به کوه نهاده) و از فراز  
کوه‌ها (به شهرها و آبادی‌ها) فرود نیاید. (۱)

## سخن آخر، جایگاه نماز در نظام جمهوری اسلامی

در جامعه‌ی ما فصل مهمی باید در معرفی نماز در همه‌ی سطوح گشوده شود.

۱- رسانه‌ها و بخصوص صدا و سیما با شیوه‌های گوناگون نماز را معرفی و یادآوری کنند.

۲- همه جا و همیشه در رادیو و تلویزیون، نماز در اولویت گذاشته شود و شوق ایمان و عطش یاد خدا در دلها پدید آید.  
۳- در کلاسهای درس دینی مدارس و دانشگاهها درس نماز جایگاه خود را باز یابد و سخنان سنجیده و افکار بلند در بازشناسی نماز فراهم و در معرض ذهن و دل دانشجویان و دانش آموزان گذاشته شود.

۴- فلسفه‌ی نماز، تحلیل رازها و رمزهای آن با زبان هنر در معرض دید همگان قرار گیرد تا هرکس بقدر ظرفیت خود از آن متمتع گردد.

۵- کتابها و جزوه‌ها در سطوح مختلف و از دیدگاههای گوناگون به وسیله‌ی محققان و عالمان به سبک تحریر درآید و مایه‌ی کارهای هنری و ادبی گردد.

۶- فصلی نیز باید برای آسان کردن انجام نماز گشوده شود، در همه‌ی مراکز عمومی، مدارس، دانشگاهها، کارخانه‌ها، سربازخانه‌ها، فرودگاهها، ایستگاههای قطار، ادارات دولتی و امثال آن جایگاههای مناسبی برای نماز پیش‌بینی شود.

۷- مساجد و نمازخانه‌ها پاکیزه و مرتب و رغبت‌انگیز باشد.

۸- نماز در وقت فضیلت و به جماعت گزارده شود.

۹- در هر محیطی برجستگان و بزرگان آن بر دیگران پیشقدم شوند و عملاً اعتناء به نماز را به دیگران بیاموزند.

و خلاصه در همه جا حرکت به سمت نماز و شناختی به نماز محسوس باشد. (۱)

## منابع

- آداب الصلوة، حضرت امام خمینی علیه السلام.
- اربعین حدیث، حضرت امام خمینی علیه السلام.
- برنامه‌ی سعادت، سیدابن طاووس علیه السلام.
- پرتوی از اسرار نماز، حجت الاسلام قرائتی.
- تحف العقول، رساله‌ی حقوق حضرت امام سجاد علیه السلام.
- تفسیر عیاشی، جلد ۱.
- راز نماز، حجت الاسلام قرائتی.
- رساله‌ی لقاء الله، آیت الله حاج میرزا جواد ملکی علیه السلام.
- روضه المتقین، جلد ۱۲.
- سخن خدا، سید حسن شیرازی.
- سنن النبّی، علامه سید محمدحسین طباطبائی علیه السلام.
- صحیفه‌ی نور، جلدهای ۱۲ و ۱۸، حضرت امام خمینی علیه السلام.
- صلوة العارفين و معراج السالكين، حضرت امام خمینی علیه السلام.
- طرائف الحكم، جلدهای ۱ و ۲.
- غرر الحكم
- محجة البيضاء، جلد ۱.

مستدرک الوسایل، جلد ۱.  
نماز چیست؟ شهید آیت الله دکتر بهشتی.  
نهج البلاغه